

معرفی و نقد کتاب

شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده^(۱)

نوشته گراهام فولر و رند رحیم فرانکه^(۲)

سید محمد علی تقوی*

اشاره

کتاب شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده در بخش ترجمه و نقد، مؤسسه شیعه‌شناسی ترجمه شده و اکنون در دست چاپ است.

شیعیان بررسی می‌کند. فصل دوم کتاب به ارائه تصویری کلی از وضعیت شیعیان در کشورهای عربی تحت حاکمیت اهل تسنن مبادرت می‌ورزد و این واقعیت را برملا می‌سازد که شیعیان در آن دسته از کشورهای عرب، که اقلیتی قابل توجه یا حتی اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای غیرعلنی مورد تبعیض قرار دارند. شیعیان حتی گاهی از

این کتاب به مطالعه وضعیت اجتماعی و سیاسی جوامع شیعه در جهان عرب می‌پردازد؛ امری که متأسفانه تاکنون موضوع بحث یک کتاب محققانه واقع نشده است. فصل آغازین کتاب به هویت شیعی و آن دسته از مسائل تاریخی و مذهبی، که تشیع را از تسنن متمایز می‌سازند، می‌پردازد و بازتاب این تمایزات را در زندگی سیاسی و اجتماعی

در جهان عرب چه تصویری از یکدیگر دارند، و در نهایت، توصیه‌هایی برای سیاست خارجی ایالات متحده در این باب ارائه می‌کنند.

آنچه مهم است آنکه این کتاب به بررسی مسئله تبعیض نهران، اما شدید علیه شیعیان می‌پردازد؛ امری که اساساً وجود آن نه تنها توسط دولت‌های عرب، بلکه جوامع عرب نیز نفی می‌شود. علاوه بر این، شیعیان نیز خود تمایل چندانی به بحث عمومی درباره آن ندارند. از آن‌رو که آرمان اتحاد اسلامی، عربی و ملی در این کشورها از اهمیتی ویژه برخوردار است، سخن گفتن در باب حقوق اقلیت‌ها یک تابو به شمار می‌آید. اشتیاق شدید برای وحدت، پرده‌ای بر رنج اقلیت‌های قومی و مهم‌تر از آن، اقلیت‌های درون‌مذهبی کشیده و گاهی نیز به بهانه‌ای برای سرکوب اقلیت‌ها مبدل شده است. از این‌رو، مسئله اقلیت‌ها به یک منشأ اصلی نارضایتی در جهان عرب مبدل شده، مسئله‌ای که هسیچ‌گاه راه حل مناسبی برای آن جست‌وجو نشده است. در نتیجه، جهان اسلام و عرب امروزه نه تنها نشانه‌ای از اتحاد را باز نمی‌نمایند، بلکه بیش از هر

انجام مراسم دینی ویژه خود نیز منع می‌شوند. فصل سوم کتاب این امر را مورد بحث قرار می‌دهد که شیعیان عرب چگونه تصویری از نیازهای خویش دارند و چه راه‌کارهایی برای تخفیف آلام خود برگزیده‌اند. در فصل چهارم، نقش ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعه جهان، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است. فصول پنجم تا نهم وضعیت شیعیان در کشورهای گوناگون عربی را به بحث می‌گذارند و اشاره می‌کنند که حکومت عراق برای چند دهه متوالی، شیعیان را به طور بی‌رحمانه سرکوب کرده است. در بحرین نیز اکثریت شیعه سال‌ها از حقوق سیاسی خویش محروم بوده و از تنگناهای شدید اقتصادی رنج برده است. در کویت، موقعیت شیعیان که مدت‌ها مورد سوء ظن بود، تنها پس از جنگ خلیج فارس تا حدی بهبود یافت. در عربستان، شیعیان رسماً مورد تبعیض واقع می‌شوند. تنها در لبنان پس از جنگ داخلی، موقعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان به گونه‌ای جدی بهبود یافت. در فصل دهم، نویسندگان کتاب به بررسی این امر می‌پردازند که جهان غرب و جوامع شیعه

همانند اکراد در عراق، یا بربرها در الجزایر. وحدت ملّی یا عربی بهانه‌ای برای نادیده گرفتن تبعیضات موجود بوده است. در نتیجه، هیچ‌گاه برخورداردی واقع‌بینانه با مسئله اقلیت‌ها در جهان عرب صورت نگرفته است و نه تنها آرمان وحدت تحقق نیافته، بلکه خشم‌های فروخورده ناشی از تبعیضات هرگاه که فرصت یافته‌اند، خود را به شدیدترین وجه نشان داده‌اند.

این کتاب از نثر شیوایی برخوردار است و در کل، توصیف‌ها و داوری‌های قابل تأملی ارائه می‌دهد. نکته جالب آنکه این کتاب نه تنها به توصیف و تبیین می‌پردازد، بلکه دربرگیرنده توصیه‌هایی برای سیاست خارجی آمریکا نیز هست که فارغ از پسندیدگی یا ناپسندیدگی آن، خواندن آن را جذاب می‌سازد. مهم‌تر آنکه حمله آمریکا به عراق و رویدادهای پس از آن نشان می‌دهند که این کتاب، که چهار سال پیش از وقوع آن حمله به نگارش درآمده، در تکوین سیاست خارجی آمریکا در مورد عراق نقشی اساسی داشته است. و این البته چندان دور از انتظار نیست؛ چراکه گراهام فولر، یکی از نویسندگان کتاب، به مدت هفده

زمان دیگر، از هم گسیخته است. مسئله تبعیض میان پیروان مذاهب گوناگون امری حسّاسیت برانگیز در میان مسلمانان به شمار می‌آید که به ژرفای هویت و تاریخ آنان مرتبط می‌شود. مسلمانان عمدتاً از این مسئله آگاهند، ولی ترجیح می‌دهند آن را فقط در حلقه‌های خصوصی مورد بحث قرار دهند تا چهره‌ای متحد از جهان اسلام به نمایش بگذارند. پیامد امتناع از بحث عمومی در این باره سبب شده است که جنبه‌های گوناگون این مسئله بررسی نشود و مسلمانان، به ویژه اعراب، وقتی واقعیت تبعیض میان مذاهب اسلامی مطرح می‌شود، دچار سردرگمی گردند. اشتیاق برای همگونگی در سطح جهان اسلام و جهان عرب و در سطوح ملّی، سبب شده است چندقانگی به عنوان شاخصه‌ای از غنای فرهنگی مورد ستایش قرار نگیرد. واقعیت آن است که در فرهنگ سیاسی خاورمیانه، چندقانگی در هر شکلی از آن، تهدیدی علیه دولت‌ها شمرده می‌شود. ستیز با چندقانگی در برخورد با اقلیت‌های درون مذهبی همچون تشیع بیشتر دیده می‌شود تا در برابر اقلیت‌های قومی؛

سال در خاورمیانه دارای سمت‌های دیپلماتیک بوده و سپس در مقام معاون شورای ملی اطلاعاتی^(۳) سازمان سیا در زمینه پیش‌بینی‌های بلند مدت ایفای نقش نموده است.

یک نقطه ضعف این کتاب آن است که به بررسی عمیق بسیاری از نکاتی که مطرح می‌کند، نمی‌پردازد. برای مثال، آن‌گاه که زمینه تاریخی و مذهبی فرهنگ شیعه، تفاوت‌های موجود در درون جامعه شیعه، یا نگرش‌های جدید برخی از روحانیان را ذکر می‌کند، ماهیت آن‌ها را به حد کافی توضیح نمی‌دهد، که البته شاید با توجه به گستردگی موضوعات مورد بحث در کتاب قابل توجیه باشد. نویسندگان، مسائل جامعه شیعه را در بطن جوامع عرب بررسی می‌کنند؛ جوامعی که حتی اکثریت اهل تسنن نیز از حقوق خود بی‌بهره‌اند. مؤلفان تنها راه چاره را تأمین آزادی‌های سیاسی و دموکراسی می‌دانند که نه تنها شیعیان، بلکه اهل تسنن را نیز منتفع می‌سازد. با این حال، تحقق دموکراسی در عراق و بحرین را برنده شدن شیعیان به بهای بازنده شدن سنیان می‌شمارند. چنین برداشتی البته نادرست است؛ زیرا اگرچه

دموکراسی در این دو کشور ممکن است اکثریت شیعه را به قدرت برساند، اما چنین روندی به سود سنیان نیز خواهد بود؛ چرا که در غیر این صورت، حکومت‌های ناکارآمد و فاسد تحت رهبری قدرتمندان سنی نه تنها شیعیان، بلکه توده‌های سنی را نیز متضرر خواهند کرد.

مسئله دیگر آنکه مؤلفان در موارد چندی تصدیق می‌کنند که این انقلاب اسلامی ایران بود که عمق محنت شیعیان عرب را آشکار ساخت و به جنبش‌های آن‌ها حرکت بخشید و در مجموع، سیاست ایران در قبال آنان را نفع‌جویانه می‌خوانند. بدین‌روی، معتقدند: به استثنای لبنان، وضعیت جوامع شیعه عرب بدتر از آن شد که پیش از انقلاب ایران بود. این نکته شاید درست باشد که شیعیان عرب پس از انقلاب اسلامی ایران در کشورهای خود مورد ایذا و آزار بیشتری واقع شدند، اما بر خلاف نظر نویسندگان کتاب، چنین وضعیتی را نمی‌توان به سیاست خارجی نفع‌طلبانه ایران نسبت داد؛ چرا که سیاست خارجی ایران در دهه ۱۹۸۰ میلادی و تا حد قابل توجهی حتی پس از آن، بر مبنای

در سایر نقاط جهان اسلام خواهد گشود. همچنین ترجمه، انتشار و نقد آن انگیزه‌ای جدی در محققان ایرانی برای بازشناسی وضعیت همکیشان خود در سایر نقاط جهان اسلام به وجود خواهد آورد. بر خلاف آنچه تصور می‌شود، آگاهی یافتن بر ستم‌های وارد شده بر اقلیت‌های درون مذهبی در کشورهای اسلامی و شناخت آمال این اقلیت‌ها، ضربه‌ای بر وحدت اسلامی نخواهد زد، بلکه گامی است در جهت شناخت راه‌های برخورد هوشیارانه با مسئله تبعیض و بی‌عدالتی درون مذهبی، به این امید که جوامعی آرام‌تر و عادلانه‌تر در کشورهای اسلامی پدید آیند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مطلب مزبور ابتدا در *Nationalism and Ethnic Politics*, vol. 8, no. 4 (2002) به چاپ رسید و در اینجا با اضافه‌های دیگری درج گردید.
2. Graham E. Fuller and Rend Rahim Francke, *The Arab Shi'a; the Forgotten Muslims* (New York: St. Martin's Press, 1999, ISBN 0 312221789, pp 290.
3. The National Intelligence Council.

نگرش‌های ایدئولوژیک و نه منافع ملی ایران شکل گرفت. حتی آن‌گاه که سیاست خارجی ایران آشکارا به زیان شیعیان تمام شد - مثلاً در جریان قیام شیعیان عراق و پس از شکست صدام در جنگ کویت - این سیاست در جهت مبارزه با ایالات متحده، که دشمن اتحاد تمامی مسلمانان تلقی می‌شد، شکل گرفته بود. به عبارت دیگر، دولت جمهوری اسلامی در مواردی چند منافع متحدان طبیعی خود، یعنی شیعیان و حتی منافع ملی خود را فدای آنچه منافع عام مسلمانان تلقی می‌کرد، نمود.

مؤلفان کتاب همچنین از مغرور بودن ایرانیان در برخورد با شیعیان عرب سخن می‌گویند و برای مثال، مدعی شده‌اند که از نظر ایرانیان، در خاورمیانه، جز از عثمانی‌ها و ایرانی‌ها سخن نمی‌توان گفت. این ادعا در مورد غرور ایرانیان گزافه‌ای بیش نیست.

مطالعه این کتاب برای علاقه‌مندان مسائل جهان اسلام، خاورمیانه و به ویژه جوامع شیعی مفید است و راه را بر مطالعات عمیق‌تر در مورد جوامع شیعی، مشکلاتشان، نوآوری‌های نظری و عملی‌شان و نیز روابطشان با اهل تسنن



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی